



Russia's Strategic Multilateral Engagement in the Asia-Pacific: A Case Study of ASEAN and APEC

Asgar Safari

PhD Candidate in International Relations, University of Guilan, Guilan, Iran (Corresponding Author).

Email: asgar.safari2017@gmail.com

Seyed Amir Niakooee

Associate Professor, Department of Political Science and International Relations, University of Guilan, Guilan, Iran.

Email: niakooee@gmail.com

Masoumeh Rad Goudarzi

Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, University of Guilan, Guilan, Iran.

Email: fr.raad1@gmail.com

Abstract

Following Vladimir Putin's third term as President, Russia began enhancing cooperation with regional organizations in the Asia-Pacific, including the Association of Southeast Asian Nations (ASEAN) and the Asia-Pacific Economic Cooperation (APEC). While this initiative was not entirely new and had been pursued since the post-Soviet era under the "Primakov Multipolar System" concept, a notable shift has occurred: Russia's focus has moved from Western institutions toward Eastern multilateral organizations. Accordingly, the central research question is: "What objectives does Russia pursue through cooperation with Asia-Pacific multilateral institutions?" The study's findings indicate that although economic benefits given the regional and global economic influence of these institutions are a significant factor in Russia's engagement, this cooperation must be understood within a broader worldview. Specifically, Russia's interaction with Asia-Pacific multilateral organizations reflects a longstanding foreign policy vision aimed at transforming the international system from a U.S.-dominated unipolar order to a multipolar one. This research employs a descriptive-analytical methodology.

Keywords: Russia, Multilateralism, Regional Organizations, Multipolar System.



چندجانبه گرایی فدراسیون روسیه در آسیا - اقیانوسیه؛ مطالعه موردی آ.سه.آن و آپک

عسگر صفری

دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران (نویسنده مسئول)

Email: asgar.safari2017@gmail.com

سید امیر نیاکویی

دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

Email: niakoe@gmail.com

معصومه رادگودرزی

استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

Email: fr.raad1@gmail.com

چکیده

با روی کار آمدن «ولادیمیر پوتین» به عنوان رئیس جمهور روسیه برای بار سوم، روسیه شروع به افزایش همکاری با سازمان های منطقه ای آسیا - اقیانوسیه، از جمله انجمن ملل جنوب شرقی آسیا (آ.سه.آن) و سازمان همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه (آپک) کرد. این موضوع ابتکار جدیدی نبود و در سال های پس از فروپاشی شوروی در قالب ایده «نظام چندقطبی پریماکوف» دنبال می شد؛ با این حال، ویژگی جدید تغییر تمرکز روسیه از سازمان های غربی به نهادهای چندجانبه شرقی بود. بر همین اساس پرسش اصلی پژوهش این است که «روسیه از همکاری با نهادهای چندجانبه آسیا - اقیانوسیه چه هدفی را دنبال می کند؟» یافته های پژوهش نشان می دهد هرچند که بهره بردن از مزایای اقتصادی این نهادها با توجه به تأثیرگذاری آنها در اقتصاد منطقه ای وجهانی به عنوان یکی از دلایل گرایش روسیه به این نهادهای چندجانبه است؛ همکاری روسیه با این سازمان ها را باید در قالب جهان بینی بزرگ تری قرار داد و آن هم حاکی از این است که تعامل روسیه با نهادهای چندجانبه آسیا - اقیانوسیه، متأثر از چشم اندازی دیرینه در سیاست خارجی این کشور است که می خواهد سیستم بین المللی را از نظم تک قطبی تحت سلطه ایالات متحده به نظامی چندقطبی تغییر دهد. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

کلیدواژه ها: روسیه، چندجانبه گرایی، سازمان های منطقه ای، نظام چندقطبی.

مقدمه

در دوران جنگ سرد روابط اتحاد جماهیر شوروی با محیط پیرامون، متأثر از رقابت آن با ایالات متحده بوده و بنابراین، الگوی حاکم بر روابط آن با بازیگران نظام جهانی بیشتر دوجانبه بود. این موضوع بیشتر از مفروض واقع‌گرایانه نشئت می‌گرفت که دولت‌ها بازیگران اصلی نظام بین‌المللی هستند و سایر پدیده‌های موجود در محیط بین‌المللی، از جمله سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نقش چندانی در پیشبرد امور ندارند. باین‌حال، پس از فروپاشی شوروی این موضع روسیه کمی تعدیل شد و روسیه در اثر شکل‌گیری ایده‌هایی مانند نظام چندقطبی که بسیار متأثر از افکار «یوگنی پریماکوف» بود؛ به سمت چندجانبه‌گرایی حرکت کرد. به عبارت دیگر، در سال‌های پس از اتحاد جماهیر شوروی، چندجانبه‌گرایی به‌عنوان ابزاری مهم در سیاست خارجی روسیه برای در امان ماندن از خطرات و درد ناشی از ایستادن روسیه در سایه سایر قدرت‌های جهانی، از جمله ایالات متحده بود. به همین دلیل، «بوریس یلتسین» و ولادیمیر پوتین به‌طور مداوم پیوستگی عمیقی با اصول چندجانبه‌گرایی داشتند. باین‌حال مسئله‌ای که وجود داشت؛ این بود که در طول دهه ۱۹۹۰، روسیه گسترش همکاری با نهادهای چندجانبه تحت سلطه غرب را عمده‌تاً برای منافع بلندمدت آن می‌دید. در همین دهه روسیه در شورای اروپا (۱۹۹۶) و در «گروه ۸» (۱۹۹۷) پذیرفته شد و اولین توافق‌نامه‌های جامع خود را با اتحادیه اروپا (۱۹۹۴) و ناتو (۱۹۹۷) امضا کرد. روسیه همچنین در این دوره صندلی دائمی خود را در شورای امنیت سازمان ملل متحد از اتحاد جماهیر شوروی به ارث برد. باین‌حال با آغاز هزاره جدید، تغییراتی در این رویکرد ایجاد شد و هدف این بود که روسیه با گسترش نقش خود در سازمان‌های مناطق دیگر، نقش بیشتری در قطب‌بندی نظام بین‌المللی داشته باشد. دکترین سیاست خارجی را که در ژوئن ۲۰۰۰ رئیس‌جمهور امضا کرد؛ بیان می‌داشت روسیه باید تلاش کند به سیستمی چندقطبی دست یابد که واقعاً تفاوت مردم جهان و علایق آن‌ها را منعکس کند. بر همین اساس در دو دوره ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین در بین سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۸، روسیه به نهادها و سازمان‌های چندجانبه مناطق دیگر، از جمله آسیا - اقیانوسیه و به‌ویژه نهادهایی که در فضای پس از فروپاشی شوروی وجود داشتند توجه زیادی کرد. به‌عنوان مثال، سازمان‌هایی مانند سازمان همکاری شانگهای و کمیسیون اقتصادی اوراسیا، اهمیت زیادی یافتند.

باین‌حال، پس از بازگشت ولادیمیر پوتین به ریاست جمهوری روسیه برای بار سوم در سال ۲۰۱۲، دامنه و وسعت همکاری‌های روسیه با سازمان‌های فرامنطقه‌ای، از جمله



در آسیا - اقیانوسیه افزایش یافت و روسیه اقدام به گسترش همکاری با سازمان‌هایی مانند انجمن ملل جنوب شرقی (آ.سه.آن) و سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا - اقیانوسیه (آپک) کرد. بر همین اساس، پرسش اصلی پژوهش این است که «روسیه از همکاری با نهادهای چندجانبه آسیا - اقیانوسیه چه هدفی را دنبال می‌کند؟»

۱. چهارچوب مفهومی

یک‌جانبه‌گرایی، دوجانبه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی از مفاهیم سهل‌ممتنع در ادبیات روابط بین‌الملل هستند. در ساده‌ترین تعریف، یک‌جانبه‌گرایی مبتنی بر اقدام یک کشور است. یک‌جانبه‌گرایی روشی خاص است که با آن یک دولت یا بازیگر سیاسی با محیط بین‌المللی تعامل می‌کند؛ یعنی روشی که به‌وسیله آن مشکلات بین‌المللی خود را حل و روابط خود را با شرکا و مخالفان مدیریت می‌کند. یک‌جانبه‌گرایی فراتر از جهت‌گیری است که منافع شخصی را به حداکثر می‌رساند و اصلی برای اقدام با هدف محدود کردن تعهدات با حفظ استقلال عمل است. این موضوع را نیز باید مدنظر داشت؛ درحالی‌که می‌توان یک‌جانبه‌گرایی را به‌عنوان روشی کلی توصیف کرد؛ تشخیص این نکته مهم است که هر عمل سیاسی، حداقل در سیاست خارجی و امنیتی، به‌عنوان اقدامی یک‌جانبه و یک‌طرفه است. این بدان دلیل است که در پس هر عمل سیاسی، تعریف یک‌جانبه منافع شخص و دولت وجود دارد (Bertele & Mey, 1998, p. 198). برخلاف یک‌جانبه‌گرایی، دوجانبه‌گرایی مربوط به روابط یا سیاست‌های مشترک بین دو پدیده است. اما به‌طور معمول، این اصطلاح کاربردهایی در مورد مسائل سیاسی، اقتصادی و امنیتی بین دو کشور دارد. و به لحاظ سنتی از متداول‌ترین نوع روابط در محیط بین‌المللی بوده است؛ زیرا کشورها از دیرباز به‌طور دوجانبه با هم ارتباط برقرار می‌کردند. آن‌ها یکدیگر را به‌عنوان دولت به رسمیت شناخته و توافق می‌کردند که سفیرانی را به پایتخت یکدیگر بفرستند. دوجانبه‌گرایی در مقایسه با یک‌جانبه‌گرایی، آزادی عمل کمتری در اختیار کشورها قرار می‌دهد؛ باین‌حال، این قابلیت را دارد که به تحقق منافع متقابل از طریق اقدام مشترک کمک کند (Legro, 2008, p. 296).

در مقایسه با دو مفهوم و مدل قبلی، چندجانبه‌گرایی ایده جدیدتری است و با توجه به همین مسئله تعاریفی که از آن وجود دارد در بسیاری از مواقع پیچیده است. به‌عنوان مثال، «رابرت کوهن» عقیده دارد که چندجانبه‌گرایی را می‌توان عملی برای هماهنگی سیاست‌های ملی در گروه‌های سه یا چند دولتی از طریق ترتیبات موقت یا از طریق نهادها تعریف کرد. کوهن عنوان می‌دارد که هرچند چندجانبه‌گرایی به

ترتیبات مربوط به کشورها محدود می‌شود؛ روابط فراملی مهم است و موضوعات مربوط به اتحادهای تجارت بین‌المللی نیز جذاب هستند. بنابراین، می‌توان گفت دامنه چندجانبه‌گرایی بسیار گسترده است؛ حتی وقتی محدود به دولت‌ها باشد (Keohane, 1990, p. 731). بنابراین، تعریف کوهن از چندجانبه‌گرایی شامل (منحصراً) دولت‌ها و غالباً (نه منحصراً) مؤسساتی است که به‌عنوان «مجموعه‌ای از قوانین پایدار و متصل، رسمی و غیررسمی، تعریف می‌شوند که نقش‌های رفتاری، فعالیت محدود کننده را مشخص و انتظارات را شکل می‌دهند» (Bouchard & Peterson, 2011, p 6). البته تعریف کوهن از چندجانبه‌گرایی از سوی برخی افراد مانند «جان جرارد راگی» به این دلیل که از بُعد کیفی (تأکید بر اصل) پدیده غافل شده مورد انتقاد قرار گرفته است. به‌عنوان مثال، راگی به مقدمه منشور سازمان ملل اشاره دارد که عنوان می‌کند چندجانبه‌گرایی به معنای ایجاد شرایطی است که در آن عدالت و احترام به تعهدات ناشی از معاهدات و سایر منابع حقوق بین‌الملل حفظ شود. بنابراین، چندجانبه‌گرایی شامل عدالت، تعهد و نوعی قانون بین‌المللی است. آنچه آن را متمایز می‌کند و بیش از تعداد اعضا یا درجه نهادینه شدن اهمیت دارد، نوع روابط ایجاد شده است.

جان جرارد راگی، عنوان می‌دارد که در هسته اصلی خود، چندجانبه‌گرایی به هماهنگی روابط بین سه یا چند کشور مطابق با اصول خاصی اشاره دارد. این اصول عبارتند از: «اصول کلی رفتار؛ تقسیم‌ناپذیری و نشر متقابل»^۱ (Ruggie, 1992, p. 568). اصول کلی رفتار، قوانینی است که رفتار مناسب را در موقعیتی خاص، بدون توجه به ترجیحات فردی مشخص می‌کند. به‌عنوان مثال، در نهادی اقتصادی مانند صندوق بین‌المللی پول، این کاهش تعرفه‌های متقابل؛ اعمال ضمانت‌ها و تحریم برای اجرای قوانین جزء اصول کلی محسوب می‌شود. تقسیم‌ناپذیری مربوط به محدوده‌ای است که در آن هزینه‌ها و مزایا بین اعضا پخش می‌شود. به‌عنوان مثال، اگر مشکلات خاصی یک کشور را آزار دهد؛ برای هم‌تایان آن نیز تبعات به همراه خواهد داشت. به عبارت دیگر، اعضای مؤسسات چندجانبه انگیزه‌هایی برای همکاری پیدا می‌کنند که سهام آن‌ها قابل تقسیم نیست. برای مثال، بحران ارزی که در تابستان ۱۹۹۷ در تایلند رخ داد؛ بحران مشابهی را نه‌تنها در کشورهای جنوب شرقی آسیا، بلکه در شمال شرق آسیا ایجاد کرد. مورد سوم هم بدین معنی است که دولت‌ها انتظار دارند به‌جای بهره‌مندی از مزایای هر موضوع از منافع کلی درازمدت بهره‌مند شوند. به عبارت دیگر، وقتی سه یا چند کشور سیاست‌های خود را هماهنگ می‌کنند؛ اغلب برای اعضای نهاد



چندجانبه اجتناب‌ناپذیر است که منافع فوری خود را فدای منافع کل نهاد کنند. دستاوردهای مربوطه در نهایت تحقق می‌یابد؛ اما در طولانی‌مدت، بنابراین، عمل متقابل از نظر زمان‌بندی و از نظر ذی‌نفعان پراکنده‌تر است (Fukushima, 1992, p. 9-11).

فارغ از اینکه چه اختلاف‌نظرهایی در مورد تعریف چندجانبه‌گرایی وجود دارد؛ این ایده که با هماهنگی کشورهای مختلفی می‌توان امور مشترک ملی، منطقه‌ای و حتی جهانی را پیش برد جذابیت خاصی برای کشورها پیدا کرده است. به‌ویژه آن دسته از کشورهایی که نسبت به نظم ایجاد شده پس از جنگ سرد و هژمونی ایالات متحده آمریکا انتقاد دارند. این کشورها عقیده دارند نظمی که پس از فروپاشی شوروی ایجاد شده، بستری برای هژمونی و یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده بوده است و بسیاری از مشکلاتی که جهان امروز با آن مواجه است ناشی از همین است. برای فائق آمدن بر این مسئله باید جهان به سمت چندقطبی شدن حرکت کند و در این میان همکاری بین کشورهای مختلف از طریق متوسل شدن به رویه‌های چندجانبه‌گرایی ضروری است. از جمله کشورهایی که از این ایده حمایت می‌کند فدراسیون روسیه است. از دید روسیه چندجانبه‌گرایی به نهادها و حوزه‌هایی مربوط می‌شود که شامل چندین کشور است که به‌طور پایدار و هماهنگ کار می‌کنند و این همکاری چندجانبه به‌عنوان ابزاری برای مدیریت روابط بین‌الملل روسیه مورد استفاده قرار می‌گیرد. روسیه چندجانبه‌گرایی را به‌عنوان ارزش و همچنین ابزار می‌داند و تعامل چندجانبه آن با توجه به منافع سیاسی، اقتصادی و امنیتی خاص برخی از مناطق و نهادهای موردنظر شکل می‌گیرد. تأکید مسکو بر چندجانبه بودن بدان معناست که روسیه روابط بین‌الملل را نتیجه‌ای با حاصل جمع صفر نمی‌داند و قائل به جهانی چندمرکزی است. البته مسئله‌ای که وجود دارد این است که سیستم بین‌المللی واقعاً چندقطبی محقق شود یا نه، این مفهوم برای سیاست خارجی روسیه بی‌نهایت جذاب‌تر از جهان تک‌قطبی است که تحت سلطه ایالات متحده است (Lee, 2010, p. 32). ایده نظام چندقطبی حاکی از این است که هسته مرکزی قدرت در نظام بین‌المللی باید شکسته شود و چندین مرکز قدرت، از جمله روسیه از دل آن بیرون بیاید. این راهبرد اولین بار از سوی «پریماکوف» وزیر خارجه روسیه در دهه ۱۹۹۰ مطرح شد.

پریماکوف عقیده داشت جهانی تک‌قطبی که توسط یک مرکز قدرت جهانی واحد (ایالات متحده) سازمان یافته باشد؛ برای روسیه قابل قبول نیست. برای تحقق این امر، سیاست خارجی روسیه باید به‌سوی جهانی چندقطبی حرکت کند که کنسرتی از قدرت‌های بزرگ مانند روسیه، چین و هند و همچنین ایالات متحده آن را اداره

می کنند. بر اساس این چشم انداز، روسیه نباید به تنهایی با ایالات متحده رقابت می کرد؛ بلکه مسکو باید تلاش کند تا ایالات متحده را با کمک سایر قدرت های بزرگ محدود کند و خود را به عنوان بازیگری ضروری با حق رأی و وتو معرفی کند؛ علاوه بر آن رضایت مسکو برای حل و فصل هر مسئله اساسی جامعه بین المللی ضروری باشد (Rumer, 2019, p. 4). بنابراین، تعامل روسیه با نهادهای چندجانبه نیز از این چشم انداز قابل تفسیر است. به عبارت دیگر از طریق این نهادهای چندجانبه، مسکو می خواهد سیستم بین المللی را از یک قطب تحت سلطه ایالات متحده خارج کند. روسیه می خواهد با استفاده از این سازمان ها نظم جدید جهانی را تحقق بخشد که در آن قدرت و تصمیم گیری از فضای یورو - آتلانتیک به سمت قدرت های غیر غربی نوظهور تغییر جهت دهد و در سایه آن روسیه به عنوان قطب اصلی در سیستم چندقطبی در حال ظهور توانایی تسلط بر اوراسیا داشته، قدرت خود را افزایش و جایگاه بین المللی خود را تقویت کند (Stronski & Sokolsky, 2020, p. 3). تلاش های جدی برای بهره گیری از مزایای طرح های چندجانبه منطقه ای مانند سازمان همکاری شانگهای، سازمان پیمان امنیت جمعی، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و بریکس، از جمله اقدامات روسیه در این زمینه است.

۲. چندجانبه گرایی روسیه در منطقه آسیا - اقیانوسیه

در دوران جنگ سرد با توجه به اینکه جو رقابتی بین دو بلوک شرق و غرب حاکم بود؛ روابط سایر کشورها با این دو ابرقدرت نیز سلسله مراتبی بود. بنابراین اگر همکاری هم بین این قدرت های بزرگ وجود داشت بیشتر وضعیت مرکز-پیرامونی داشت. باین حال، فروپاشی شوروی باعث شد که اولاً کشورهای جدیدی متولد شوند که دارای استقلال بیشتری هستند و ثانیاً بحث همکاری کشورها از موضعی برابر مطرح شود. پدیده ای هم که در قالب فدراسیون روسیه از دل فروپاشی شوروی به وجود آمد از این قواعد مستثنا نبود. با توجه به ضعف نسبی فدراسیون روسیه در سال های پس از فروپاشی، مسکو تلاش داشت از طریق گسترش همکاری های چندجانبه نقش جدیدی را در محیط جدید تعریف کند. باین حال، ویژگی رفتار روسیه در اوایل دهه ۹۰ این بود که بیشتر بر تعامل با کشورهای غربی و در زمینه همکاری های چندجانبه بر روابط با نهادها در سطح جهانی و منطقه ای متمرکز بود که ایالات متحده و اتحادیه اروپا در آن حضور داشتند. به عنوان مثال، ورود روسیه به «گروه هفت» در سال ۱۹۹۷ و تبدیل آن به «گروه هشت» و ایجاد روابط مشارکت استراتژیک با اتحادیه اروپا (که آن هم از



سال ۱۹۹۷ به اجرا درآمد) از جمله پیشرفت‌های مهم در جهت ادغام روسیه با غرب بود (Koldunova, 2019, p. 165). حتی تمایل روسیه به همکاری‌های چندجانبه با کشورهای غربی در آغاز هزاره جدید نیز مشهود بود. برای نمونه در نشست سن‌پترزبورگ، ایده شکل‌گیری چهار فضای مشترک در امنیت داخلی، خارجی، علوم و آموزش و فرهنگ مطرح شد. حتی در سال ۲۰۱۰ بحث مشارکت برای مدرن‌سازی مطرح گردید. مشارکت اتحادیه اروپا - روسیه برای مدرن‌سازیسیون قرار بود کاتالیزوری برای همکاری اتحادیه اروپا و روسیه در فضاهای مشترک چهارگانه‌ای باشد که در سال ۲۰۰۵ در چهارچوب توافق‌نامه همکاری به آن اشاره شده بود (Larionova, 2014, p. 62).

باین‌حال، پس از روی کار آمدن ولادیمیر پوتین به‌عنوان رئیس‌جمهور روسیه (برای بار سوم) تغییری در جهت‌گیری کلی سیاست خارجی روسیه از غرب به شرق صورت گرفت؛ در اثر این تغییر، روسیه تلاش داشت محور همکاری‌های خود را با کشورها و سازمان‌های منطقه‌ای از جمله در آسیا - اقیانوسیه گسترش دهد. مبنای اعتقادی رهبران روسیه نیز از این ایده نشئت می‌گرفت که روسیه باید از طریق ایجاد روابط خیرخواهانه دوجانبه و چندجانبه با دولت‌ها و به‌ویژه سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی موجود در آسیا - اقیانوسیه از ادعای دیرینه مسکو به‌عنوان قطب مستقل از یک جهان چندقطبی حفاظت کند (Blank, 2017, p. 4). علاوه بر این تا پیش از این تعامل روسیه با منطقه مذکور به‌طور سنتی به روابط دوجانبه، به‌ویژه با چین متکی بود. هرچند این روابط تا حدی خواسته‌های روسیه را تأمین می‌کرد؛ باعث شده بود روسیه از نهادهای منطقه‌ای و به‌ویژه شبکه نهادهای منطقه‌ای بیرون بماند. این امر باعث شده بود که روسیه نتواند از اهرم‌های سیاسی این شبکه‌های منطقه‌ای و همچنین مزایای اقتصادی و سرمایه‌گذاری که این نهادها داشتند استفاده کند (Østevik & Kührt, 2018, p. 83). این عوامل باعث شد که روسیه همکاری با نهادهای منطقه‌ای موجود در منطقه آسیا - اقیانوسیه را از جمله اولویت‌های سیاست خارجی خود در دوره سوم ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین قرار دهد. هرچند طیف گسترده‌ای از نهادهای منطقه‌ای وجود داشت که روسیه می‌توانست با آن‌ها ارتباط برقرار کند؛ باین‌حال، دو نهاد منطقه‌ای آ.سه.آن و آپک بیشتر مورد توجه قرار گرفت.

۲-۱. ارتباط روسیه و انجمن ملل جنوب شرقی آسیا (آ.سه.آن)

انجمن ملل جنوب شرقی آسیا (آ.سه.آن) گروهی منطقه‌ای است که همکاری اقتصادی، سیاسی و امنیتی را در بین اعضای خود دنبال می‌کند. سابقه شکل‌گیری این نهاد به

سال ۱۹۶۷ باز می‌گردد. در ۸ اوت این سال، وزرای امور خارجه اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور و تایلند در بانکوک تایلند سندی را امضا کردند و به موجب آن سند، انجمن ملل جنوب شرقی آسیا (آ.سه.آن) تشکیل شد. سند امضا شده بین رهبران کشورها، سندی کوتاه و شامل پنج ماده بود. سند اعلام می‌داشت که این گروه انجمنی برای همکاری منطقه‌ای در میان کشورهای جنوب شرقی آسیا است و هدف آن همکاری در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فنی، آموزشی و سایر زمینه‌ها و ارتقای صلح و ثبات منطقه‌ای از طریق رعایت احترام به عدالت و حاکمیت قانون و تبعیت از اصول منشور سازمان ملل است. همچنین بر اساس سند، پنج کشور بنیان‌گذار، یعنی اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور و تایلند اعلان می‌کنند که انجمن برای مشارکت همه کشورهای منطقه جنوب شرقی آسیا که از اهداف، اصول و اهداف آن برخوردار هستند، باز خواهد بود (سایت رسمی آ.سه.آن، ۱۳۹۹). مهم‌ترین اهداف آ.سه.آن تسریع در رشد اقتصادی، پیشرفت اجتماعی و توسعه فرهنگی؛ ارتقای همکاری فعال و کمک متقابل در امور مورد علاقه مشترک؛ اطمینان از ثبات سیاسی و اقتصادی منطقه جنوب شرق آسیا و حفظ همکاری نزدیک با سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای موجود با اهداف مشابه بود (Martin et al., 2016, p. 70)

هرچند بر اساس سند انجمن اعلام شده بود که عضویت برای سایر کشورهای جنوب شرق آسیا باز است؛ چندین سال طول کشید تا سایر کشورهای جنوب شرق آسیا به این سازمان ملحق شوند. به عنوان مثال، برونئی در سال ۱۹۸۴، ویتنام در ۱۹۹۵، لائوس و میانمار در ۱۹۹۷ و کامبوج در سال ۱۹۹۹ به این انجمن پیوستند. اما نکته جالب در مورد آ.سه.آن این است که روابط خارجی آن بسیار سریع‌تر از روابط درون منطقه‌ای آن گسترش یافت. به گونه‌ای که در طی دو دهه پس از تأسیس، آ.سه.آن شبکه‌ای از روابط همکاری‌جویانه را با جامعه اروپا، استرالیا، کانادا، ژاپن، نیوزیلند، ایالات متحده و برنامه توسعه سازمان ملل ایجاد کرد. پس از جنگ سرد نیز، آ.سه.آن با چین، هند و فدراسیون روسیه روابط برقرار کرد. همین سیاست همکاری‌جویانه هم بود که آ.سه.آن را بر آن داشت تا نقشی فعال در ارتقای گفتگو و همکاری بین منطقه‌ای داشته باشد. به همین دلیل است که امروزه بیشتر اعضای آ.سه.آن در همکاری‌های اقتصادی آسیا - اقیانوسیه (آپک)، جلسات آسیا - اروپا (ASEM) و اخیراً در مجمع اقتصادی آسیا - آمریکای لاتین شرکت دارند (Wesley, 2003, p. 41).

همان‌گونه که عنوان شد، روابط روسیه با آ.سه.آن به دوران پس از جنگ سرد بازمی‌گردد که در قالب گفتگوی روسیه - آ.سه.آن و به واسطه شرکت معاون نخست‌وزیر



وقت فدراسیون روسیه در جلسه افتتاحیه بیست و چهارمین نشست وزیران آ.سه.آن در کوالالامپور به‌عنوان میهمان دولت مالزی، صورت گرفت. پس از آن روسیه در بیست و نهمین دوره نشست وزیران در ژوئیه ۱۹۹۶ در جاکارتا به یک شریک کامل آ.سه.آن تبدیل شد. با این حال، تعامل بین آ.سه.آن و روسیه در بالاترین سطح از طریق اولین اجلاس آ.سه.آن و روسیه در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۵ در کوالالامپور مالزی تحقق یافت. در طی این اجلاس، آ.سه.آن و روسیه بیانیه مشترک سران کشورها/دولت‌های کشورهای عضو آ.سه.آن و فدراسیون روسیه در مورد مشارکت مترقی و جامع را امضا کردند. اعلامیه مشترک بر مشارکت و همکاری روسیه و آ.سه.آن در طیف وسیعی از زمینه‌ها، از جمله همکاری‌های سیاسی و امنیتی، اقتصادی و توسعه تأکید داشت (سایت رسمی آ.سه.آن، ۱۳۹۹). «سرگی لاورف»، وزیر خارجه روسیه، عقیده دارد که اجلاس روسیه و آ.سه.آن در کوالالامپور در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۵ رویدادی مهم در روابط روسیه با انجمن بود؛ چراکه در آن جلسه زمینه‌های اولویت تعامل روسیه با انجمن مشخص و کار عملی در مورد طیف وسیعی از موضوعات آغاز شد (Lavrov, 2010, p. 11).

دومین اجلاس سران آ.سه.آن و روسیه نیز در سال ۲۰۱۰ در هائوئی ویتنام تشکیل شد که در آن طرفین تعهد خود را برای تحکیم و پیشبرد بیشتر مشارکت مترقی و جامع آ.سه.آن - روسیه در جهت ارتقای روابط به سطحی بالاتر و همکاری نزدیک در زمینه پیشرفت معماری منطقه‌ای در آسیا و اقیانوسیه تأکید کردند. در سال ۲۰۱۱ نیز علی‌رغم اینکه هیچ تغییر عمده‌ای در روابط روسیه و آ.سه.آن صورت نگرفته بود؛ مسکو به‌عنوان عضو انجمن همراه با ایالات متحده به این نهاد دعوت شد. بسیاری از کارشناسان عقیده دارند که علت این اقدام آ.سه.آن تغییر در «اراده سیاسی» آ.سه.آن به دلیل ترکیبی از عوامل، از جمله تغییر توازن قدرت منطقه‌ای و همچنین ظهور روسیه‌ای با ثبات‌تر و قوی‌تر در داخل و نظام بین‌المللی بود. کشورهای منطقه به دنبال ایجاد سیاستی بودند که به آن‌ها اجازه دهد از جبهه‌گیری بین چین که از نظر اقتصادی کاملاً با هم در ارتباط بودند و ایالات متحده که ضمانت امنیتی آن‌ها در برابر هرگونه ماجراجویی توسط قدرت‌های نوظهور بود، جلوگیری کنند. این هدف آ.سه.آن هم با تلاش روسیه برای بهبود حضور خود در آسیا و اقیانوسیه هم‌زمان شده بود. این منطقه با توجه به تمایل به داشتن سیاست خارجی متعادل‌تر و تغییر مداوم ژئوپلیتیک جهانی و اقتصاد جهانی به آسیا از اولویت بیشتری در داخل کرملین برخوردار شده بود. چرخش روسیه به شرق و میزبانی آپک در سال ۲۰۱۲ نیز در همین زمینه بود (Kapoor, 2020, p. 6).

بحران اوکراین و متعاقب آن، افزایش تنش های مسکو با غرب نیز این تمایل روسیه را افزایش داد. «تا قبل از بحران اوکراین، روسیه آ.سه.آن را بیشتر ابزاری برای به دست آوردن دسترسی به فرایندهای ادغام منطقه ای در حال رشد آسیا - اقیانوسیه تلقی می کرد. به دست آوردن جایگاهی در فرایند ادغام منطقه ای چیزی بود که مسکو تمایل داشت از طریق دستیابی به آن ادعاهای خود در مورد داشتن وضعیت قدرت بزرگ در منطقه آسیا - اقیانوسیه را اعتبار ببخشد» (Gorenburg & Schwartz, 2019, p. 15). اما متعاقب بحران مسکو به دلایلی همچون ارتباط مشترک، انزوای روسیه پس از سال ۲۰۱۴ و ترس از وابستگی بیش از حد به چین، نگاه جدی به آ.سه.آن داشت. به عنوان مثال روسیه به تدریج تبدیل به بخشی از اصلی ترین قالب های چندجانبه پیرامون آ.سه.آن، از جمله نشست آسیا - اروپا، نشست شرق آسیا، نشست وزرای دفاع آ.سه.آن شد (Ballegeer, 2019, p. 17). به همین منظور در سال ۲۰۱۶ در بیستمین سالگرد گفتگوهای روسیه و آ.سه.آن، در قالب حرکت به سمت یک همکاری استراتژیک برای منافع متقابل، مسکو در سوچی میزبان نشست سران این نهاد با روسیه بود. در طول اجلاس، رهبران «اعلامیه سوچی» را تصویب کردند که در آن مسیر آینده روابط و همکاری آ.سه.آن و روسیه ترسیم شده بود. اعلامیه سوچی شامل چندین بخش، از جمله همکاری سیاسی و امنیتی، همکاری اقتصادی، همکاری فرهنگی - اجتماعی، همکاری در محدود کردن شکاف توسعه و اتصال و همچنین بخشی از سازوکار اجرای این همکاری ها بود (tass, 2016). نشست فدراسیون روسیه - آ.سه.آن در سال ۲۰۱۸ در سنگاپور نیز نقطه عطفی در روابط طرفین بود؛ چراکه یکی از نتایج این نشست ارتقای روابط به سطح مشارکت استراتژیک بود. علاوه بر این در این اجلاس همچنین بیانیه آ.سه.آن - فدراسیون روسیه در مورد همکاری در زمینه امنیت و استفاده از فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی تصویب شد و امضای تفاهم نامه بین آ.سه.آن و کمیسیون اقتصادی اوراسیا در زمینه همکاری اقتصادی صورت پذیرفت (سایت رسمی آ.سه.آن، ۱۳۹۹).

این همکاری های اقتصادی برای روسیه به دلیل تأثیر آن در ادغام بیشتر روابط تجاری و اقتصادی حائز اهمیت بود. آ.سه.آن نقش مهمی در ادغام اقتصادی منطقه ای و جهانی داشته است. این ویژگی آ.سه.آن از جهت تلاش های روسیه برای ادغام اقتصادی منطقه ای از طریق نهادهای مشابه مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیا، امتیازی قابل توجه است. انگیزه اصلی اتحادیه اقتصادی اوراسیا، افزایش همکاری های اقتصادی در فضای اوراسیا است و در این زمینه، برقراری روابط ممتاز با آ.سه.آن از نظر افزایش جذابیت پروژه ادغام اوراسیا و نیز زمینه شکل گیری مشارکت اوراسیای بزرگ قابل توجه



است. برای اتحادیه اقتصادی اوراسیا به‌عنوان بازیگر جوان بین‌المللی، همکاری با بازیگر باتجربه‌ای مانند آ.سه.آن امکان آزمایش سازوکارهای نهادی و نظارتی تعاملات چندجانبه را فراهم می‌کند. تجربه آ.سه.آن، هرچند ناقص، می‌تواند نقش مهمی در تنظیم مبادلات تجاری، به‌ویژه کاهش موانع تعرفه‌ای و از بین بردن محدودیت‌های غیر تعرفه‌ای، توسعه تجارت الکترونیکی و همچنین ایجاد مناطق رشد اقتصادی از طریق مکانیسم‌های مشارکت عمومی و خصوصی داشته باشد. از دید روسیه، آ.سه.آن همچنین بستری برای گفتگو و اجرای پروژه‌های اقتصادی چندجانبه بیشتر در فضای اوراسیا است. یکی از اصول اساسی آ.سه.آن، اصل جدا کردن اقتصاد از سیاست است. بنابراین، تحریم‌های اقتصادی ضد روسی در صورت تصویب یا افزایش آن مانع از همکاری نمی‌شوند. همچنین با توجه به احتمال تبدیل شدن آ.سه.آن به منطقه تجاری واحد و همچنین برنامه‌های آن برای تبدیل شدن به اقتصاد چهارم در جهان تا سال ۲۰۳۰، جنوب شرقی آسیا بازاری بالقوه امیدوارکننده برای محصولات کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌تواند باشد (Канаев & Королев, 2020, p. 64-65).

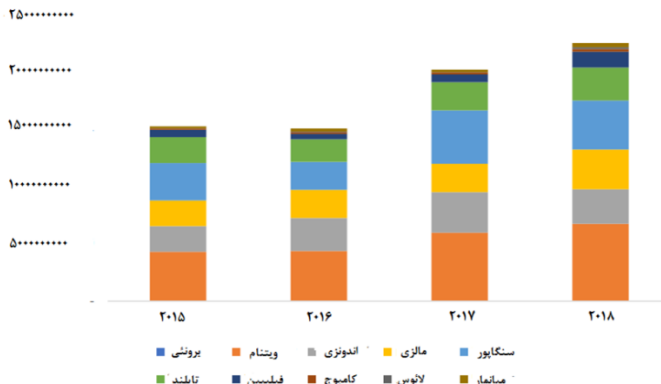
جدول ۱: شاخص‌های مقایسه‌ای اتحادیه اقتصادی اوراسیا و آ.سه.آن

قلمرو (کیلومتر مربع)	جمعیت (میلیون نفر)	گردش تجارت خارجی (تریلیون دلار)	تولید ناخالص داخلی (تریلیون دلار)	
۲۰۰۶۰۴۰۰	۱۸۲/۱	۰/۸۸۷	۲/۲	اتحادیه اقتصادی اوراسیا
۴۴۳۵۶۱۸	۶۲۵	۲/۳۳۷	۲/۵۷	آ.سه.آن

از طرف آ.سه.آن نیز علی‌رغم تعدادی از محدودیت‌های داخلی، انجمن تمایل به تقویت روابط تجاری و اقتصادی با شرکای خارجی از طریق مشارکت آن‌ها در مکانیسم‌های گفتگو با محوریت آ.سه.آن دارد. این را می‌توان از سیاست ارتباط نهادی آ.سه.آن با کشورها و نهادهای ثالث و شکل‌گیری همکاری متقابل دوجانبه و چندجانبه سودمند استنباط کرد. که می‌توان به مشارکت‌های گفتگوی کامل با ایالات متحده، چین، روسیه و دیگران، شرکای گفتگوی بخشی (پاکستان، نروژ و ...)، شرکای توسعه (آلمان)؛ گفتگو با تمرکز اقتصادی (نشست آسیای شرقی)، قالب استراتژیک ASEAN + 3 (چین، ژاپن، کره جنوبی)؛ ابتکارات اقتصادی و ... اشاره کرد. در واقع وجود سیستم توسعه‌یافته‌ای از توافق‌نامه‌های تجاری ترجیحی و سایر توافق‌نامه‌های تجاری با شرکای خارجی

نشان دهنده تمایل آ.سه.آن به تجارت آزاد، چندجانبه‌گرایی و اولویت‌دادن انجمن به ادغام بیشتر در زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و جهانی است. این اهداف اساس تأسیس جامعه اقتصادی آ.سه.آن (AEC) در سال ۲۰۱۵ نیز بودند. بنابراین، برای آ.سه.آن همکاری گسترده با اتحادیه اقتصادی اوراسیا از نظر وضعیت منطقه‌ای و جهانی آن مهم است. این فرصتی است که آ.سه.آن اولین نهادی باشد که می‌تواند منطقه آزاد تجاری را با اتحادیه اقتصادی اوراسیا در اولویت قالب «ادغام ادغام‌ها» قرار دهد و از این طریق موقعیت جهانی انجمن را که منطقی‌تر در مفهوم نقش مرکزی آ.سه.آن قرار می‌گیرد، تقویت کند. به‌ویژه که تعامل با اتحادیه اقتصادی اوراسیا هزینه‌های قابل‌توجهی را به همراه ندارد و هیچ خطری برای آ.سه.آن ندارد. اتصال بالقوه اتحادیه اقتصادی اوراسیا به شبکه چنین مشارکت‌هایی مطابق با برنامه‌های بلندمدت آ.سه.آن است که بخشی از آن متنوع‌سازی سیاست بین‌المللی آن، در درجه اول از طریق افزایش تعامل با سیستم‌های گفتگوی بین‌المللی و انجمنی است. بخش دیگر برنامه‌های بلندمدت آ.سه.آن، افزایش رقابت‌پذیری آن در فضای دیجیتال است. مقامات و محافل تجاری کشورهای عضو آ.سه.آن، چهارچوبی نظارتی برای توسعه فناوری‌های دیجیتال در جنوب شرقی آسیا ایجاد کرده‌اند. اسناد تصویب شده در این زمینه برنامه جامع فناوری اطلاعاتی و ارتباطی آ.سه.آن ۲۰۲۰، توافق‌نامه توسعه یکپارچه‌سازی دیجیتال در آ.سه.آن^۱ و غیره هستند. در این زمینه، آ.سه.آن، نگاه خاصی به اتحادیه اقتصادی اوراسیا در زمینه توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در برنامه دیجیتالی اتحادیه برای سال ۲۰۲۵ دارد. با اتصال اتحادیه به تعداد شرکای گفتگو، آ.سه.آن می‌تواند نقش نیروی محرکه همکاری را در حوزه دیجیتال «نه تنها در فضای آسیا - اقیانوسیه، بلکه در فضای اوراسیا برجسته کند» (Korolev & Kalachyhin, 2019, p. 5-6).

1. The Framework agreement for the development of digital integration in ASEAN



نمودار ۱: حجم تجارت متقابل بین اتحادیه اقتصادی اوراسیا و آ.سه.آن (۲۰۱۵-۲۰۱۸)

(Source: Korolev & Kalachyhin, 2019, p. 5-6)

بخش دیگری از توجه آ.سه.آن به اتحادیه اقتصادی اوراسیا، نیازمندی کشورهای عضو این نهاد به منابع انرژی به‌ویژه گاز طبیعی روسیه است. درحالی‌که زغال‌سنگ به‌عنوان بزرگ‌ترین منبع انرژی مصرفی باقی خواهد ماند؛ پیش‌بینی می‌شود که مصرف گاز طبیعی از سوی کشورهای آ.سه.آن از ۱۸/۷ درصد در ترکیب انرژی در سال ۲۰۱۳ به ۲۲/۶ درصد در سال ۲۰۳۵ برسد. نکته جالب توجه اینکه در حال حاضر، کشورهای آ.سه.آن خود صادرکننده منابع انرژی هستند؛ اما توسعه اقتصادی آن‌ها نیاز به انرژی بیشتر را افزایش می‌دهد؛ بنابراین برای حفظ رشد تولید داخلی در سال‌های بعدی، کشورهای مذکور نیازمند واردات هستند. وضعیتی که قبلاً در مالزی اتفاق افتاد که درنهایت مجبور به واردات گاز طبیعی شد. از نظر روسیه و کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز آ.سه.آن بازاری بدون بهره‌برداری و امیدوارکننده برای گاز طبیعی است. آن‌ها نه تنها در حال گسترش اقتصاد خود هستند؛ بلکه با توجه متن تغییرات آب‌وهوایی تلاش می‌کنند تا با استفاده از منابع پاک‌تر و یادگیری از اشتباهات چین با افزایش آلودگی هوای ناشی از زغال‌سنگ مبارزه کنند. در این میان گاز طبیعی گزینه‌ای مؤثر است که کمتر از زغال‌سنگ آلودگی تولید می‌کند و امکان استفاده برای طیف وسیعی از فعالیت‌ها را دارد (Visenescu, 2018, p. 515-516).

۲-۲. ارتباط روسیه با سازمان همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه (آپک)

سازمان همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه (آپک) مجمعی بین دولتی برای افزایش تجارت، سرمایه‌گذاری و همچنین همکاری اقتصادی در منطقه آسیا و اقیانوسیه است.

ایده آپک را ابتدا نخست‌وزیر اسبق استرالیا، «باب هاوک»^۱، طی سخنرانی در ۳۱ ژانویه ۱۹۸۹ در سئول کره مطرح کرد. ده ماه بعد، دوازده اقتصاددان آسیا و اقیانوسیه برای تأسیس آپک در کانبرای استرالیا دیدار کردند. اعضای بنیان‌گذار این نهاد استرالیا، برونتی دارالسلام، کانادا، اندونزی، ژاپن، کره جنوبی، مالزی، نیوزلند، فیلیپین، سنگاپور، تایلند و ایالات متحده بودند. جمهوری خلق چین، هنگ‌کنگ و چین تایپه در سال ۱۹۹۱ به این نهاد پیوستند. مکزیک و گینه‌نو در سال ۱۹۹۳، شیلی در سال ۱۹۹۴ و پرو، روسیه و ویتنام نیز در سال ۱۹۹۸ در این نهاد عضو شده و اعضای آن را به ۲۱ کشور افزایش دادند (سایت رسمی آپک، ۱۳۹۹). ۲۱ کشور عضو آپک در چهار قاره قرار دارند و تقریباً ۵۰ درصد از جمعیت جهان، ۶۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی و ۵۰ درصد از تجارت بین‌المللی را در اختیار دارند (Weixing, 2013, p. 66). هدف اصلی این نهاد حمایت از رشد پایدار اقتصادی و رونق در منطقه آسیا - اقیانوسیه است و برنامه کاری این نهاد بر سه موضوع: آزادسازی تجارت و سرمایه‌گذاری؛ تسهیل تجارت و همکاری اقتصادی و فنی، تمرکز دارد (سایت رسمی آپک، ۱۳۹۹).

همان‌گونه که عنوان شد، روسیه در سال ۱۹۹۸ به عضویت آپک درآمد. عضویت روسیه در این نهاد به‌وضوح نشان‌دهنده تمایل مسکو به مشارکت بیشتر در فرایندهای منطقه آسیا و اقیانوسیه و به‌ویژه گسترش روابط بین منطقه شرق دور روسیه و اقتصادهای نوظهور این منطقه بود. هرچند که در این دوره روابط تجاری روسیه به‌طور سنتی با کشورهای شوروی سابق و همچنین کشورهای اروپایی بود و گسترش روابط اقتصادی با کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه تأثیر محدودی بر کل اقتصاد روسیه داشت؛ برای منطقه شرق روسیه که شرکای تجاری اصلی آن کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه بودند؛ درگیری بیشتر روسیه در این منطقه از طریق ابزارهایی مانند آپک، پیامدهای قابل توجهی می‌توانست داشته باشد (Fukumoto, 1999, p. 122). اهمیت این موضوع برای مسکو را می‌توان از اظهارات سران روسیه در آن زمان نیز استنباط کرد؛ به‌عنوان مثال در سال ۲۰۰۳ ولادیمیر پوتین در یادداشتی عنوان داشت که شخصاً مایل به همکاری با ایالات متحده آمریکا، چین، هند، ژاپن، کشورهای جنوب شرقی آسیا و آمریکای لاتین هستم. سرمایه‌گذاران از کشورهای غربی و شرقی با قدرت برابر می‌توانند از فرصت‌های بازار موجود در قلمرو وسیع ما استفاده کنند. این امر به‌ویژه در مناطق شرق روسیه در سیبری و شرق دور که دارای منابع طبیعی مختلف و پتانسیل‌های لازم فنی و علمی هستند، قابل توجه است. بنابراین، کاملاً طبیعی است

1. Bob Hawke



که ما تلاش کنیم با عضویت در آپک، از ظرفیت‌های آن برای وارد کردن پتانسیل‌های شرق روسیه در سازوکار ادغام اقتصادی که در حال حاضر در چهارچوب مجمع صورت می‌گیرد استفاده کنیم (Putin, 2003). با این حال، «اوگنی کاناو» استدلال می‌کند که در دوران پس از پیوستن به آپک روسیه بیشتر سیاست صبر- انتظار را در روابط با آپک دنبال می‌کرد که خود این سیاست ناشی از چند عامل بود.

نخست اینکه، اقتصاد را کد مناطق شرق روسیه مانع از تلاش‌های مسکو برای راه‌اندازی و ارائه همکاری مؤثر و هدف‌محور با آپک می‌شد. تلاش‌های صورت‌گرفته به‌وسیله دولت فدرالی برای حل مشکلات موجود نیز بیش از آنکه راهگشا باشند بیشتر طرح‌های اعلانی بودند. به‌عنوان مثال در سال ۱۹۹۶ مقدار منابع مالی برنامه‌ریزی شده برای برنامه فدرالی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی شرق دور روسیه برای سال‌های ۱۹۹۶-۲۰۰۵، ۳۵ تریلیون روبل بود؛ در حالی که در واقعیت ۱۲ تریلیون روبل اختصاص داده شد و از آن هم تنها ۴/۷ تریلیون روبل به پروژه‌های طراحی شده تخصیص یافت. دوم اینکه، مسکو فاقد راهبردی هدف‌محور نسبت به آپک بود. مفهوم مشارکت روسیه در آپک در سال ۲۰۰۰ تصویب شد و آن هم کلی و فاقد ویژگی‌های جزئی بود. سوم اینکه، انگیزه‌های روسیه در پیوستن به آپک در ابتدا بیشتر سیاسی و شهرت‌طلبانه بود؛ چراکه روسیه تمایل داشت خود را به‌عنوان بازیگری بانفوذ در مرزهای شرقی خود نشان دهد. بنابراین تصمیم آپک برای پذیرش روسیه از سوی کارشناسان به‌عنوان پیروزی اقتضای سیاسی بر منطق اقتصادی قلمداد می‌شد (Kanaev, 2012, p. 9). در مجموع به عقیده کاناو، روسیه در ابتدا آماده درگیر شدن فعال در آپک نبود؛ با این حال این رویه بعداً تغییر کرد و روسیه با ارائه پیشنهادهایی مانند ترانزیت کالا از آسیه به اروپا از طریق مرزهای روسیه و همچنین تحویل مواد خام، انرژی و فلزات غیر آهنی به کشورهای عضو آپک فعالیت خود را افزایش داد.

با وجود این، به‌زعم بسیاری از کارشناسان نقطه عطف در روابط روسیه با آپک در سال ۲۰۱۲ و از طریق میزبانی نشست آپک در ولادی وستوک به‌وجود آمد. روسیه درخواست خود برای میزبانی نشست آپک در ولادی وستوک را در سال ۲۰۰۶ ارائه داده بود؛ ولی چون این شهر زیرساخت‌های لازم را نداشت با پیشنهاد مسکو موافقت نشده بود. بنابراین میزبانی و رهبری آپک در سال ۲۰۱۲ مهم‌ترین اقدام چندجانبه روسیه بعد از میزبانی نشست «گروه جی ۸» در سال ۲۰۰۶ بود. به عبارت دیگر، میزبانی اجلاس ۲۰۱۲ آپک، گام رو به جلو بزرگ در تعامل مسکو با سازمان‌های چندجانبه در آسیا بود؛ فرایندی که شروع آن به اوایل دهه ۱۹۹۰ با مشارکت در

مذاکرات شش جانبه بر سر مسئله برنامه هسته‌ای کره شمالی برمی‌گشت. همچنین روسیه در سال ۱۹۹۴ به انجمن منطقه‌ای آ.سه.آن پیوسته بود؛ در سال ۱۹۹۶ به شریک گفتگوی آ.سه.آن تبدیل شد و در سال ۲۰۰۴ پیمان دوستی و همکاری را امضا کرده بود. در سال ۲۰۱۰، روسیه به همراه چین، ایالات متحده، ژاپن، کره جنوبی، هند، استرالیا و نیوزیلند در جلسه وزرای دفاع آ.سه.آن شرکت کرده بود و قبل از نشست آپک نیز به همراه ایالات متحده به اجلاس آسیای شرقی پیوسته بود (Kuchi ns, ۲۰۱۲). با این حال، آپک اولین و تنها مجمع بزرگ آسیا و اقیانوسیه بود که روسیه در آن عضویت داشت. «آپک ۲۰۱۲ اعلام رسمی روسیه برای آمادگی کامل خود برای تعامل جدی با منطقه آسیا و اقیانوسیه بود» (Richardson, 2014, p. 8).

چیزی که روسیه از نشست ۲۰۱۲ آپک انتظار داشت؛ بنا به گفته پوتین، آزاد شدن جریان تجارت و سرمایه‌گذاری برای تحریک رشد اقتصادی با در نظر گرفتن واقعیت‌های جدید، مانند پیوستن روسیه به سازمان تجارت جهانی بود. پوتین عقیده داشت که عضویت در سازمان تجارت جهانی به روسیه امکان مشارکت گسترده‌تر در تنظیم قوانین تجارت جهانی را می‌دهد؛ موضوعی که مورد توجه آپک نیز بوده است. به زعم وی، چشم‌انداز تازه روسیه در مورد مشکلات عینی و تناقضات داخلی سازمان تجارت جهانی می‌توانست مفید باشد (Putin, 2012). تعهداتی هم که در پایان این نشست از سوی رهبران کشورهای عضو در قالب بیانیه رهبران اعلام شد تا حد زیادی خواسته‌های روسیه را شامل می‌شد. تعهدات دوازده‌گانه‌ای که رهبران در نشست ولادی وستوک اعلام کردند عبارت بودند از: تسهیل و آزادسازی تجارت و سرمایه‌گذاری؛ تقویت تقاضای داخلی، تسهیل ایجاد اشتغال، کاستن از کمبودها و بدهی‌های عمومی و اجرای اصلاحات ساختاری؛ حمایت از تلاش‌های اروپا برای حفظ انسجام منطقه یورو؛ کاهش عدم توازن با تقویت کسری بودجه (در پرداخت‌های خارجی) اقتصاد عمومی، تقاضای داخلی مازاد و انعطاف‌پذیری بیشتر نرخ ارز؛ افزایش سرعت حرکت به سمت رژیم‌های تعیین نرخ ارز تعیین شده به وسیله بازار؛ پرهیز از اصرار بر نرخ ارز نامناسب و کاهش ارز رقابتی؛ اطمینان از ثبات بلندمدت مالی در عین به رسمیت شناختن نیاز به بازیابی در داخل فضای مالی در استرس؛ تقویت سیستم تجارت چندجانبه گنجانده شده در سازمان تجارت جهانی؛ شناسایی نسل بعدی از موضوعات تجارت و سرمایه‌گذاری برای ادغام بیشتر اقتصادهای آپک و گسترش تجارت؛ تداوم تلاش‌ها برای بهبود جو سرمایه‌گذاری در منطقه؛ تقویت رشد سبز و تلاش برای شناسایی راه‌حل‌های عملی بر چالش‌های زیست‌محیطی و مبارزه با فساد برای افزایش شفافیت و مبارزه با کلاهبرداری، رشوه‌خواری و سوءاستفاده از منابع



عمومی (See-Yan, 2015, p. 102). به نظر کارشناسان، فارغ از تأمین برخی منافع روسیه، ازجمله در مورد آزادسازی تجارت و همچنین خواسته‌های روسیه در مورد سازمان تجارت جهانی نشست ۲۰۱۲ آپک از چند جهت دیگر نیز برای روسیه حائز اهمیت بود. «پائول ریچاردسون» عنوان می‌کند که مهم‌ترین نتیجه نشست؛ افزایش احساس قرار داشتن منطقه شرق روسیه در وضعیت وابستگی دوگانه بود. از طرفی، منطقه برای توسعه خود به تسریع روند ادغام اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری بین شرق روسیه و اقتصادهای پویای آسیا و اقیانوسیه وابسته بود. برای نمونه، مهم‌ترین شرکای تجاری منطقه پرمورسکی^۱ (که ولادی وستوک پایتخت منطقه است) در سال ۲۰۱۳، چین (۴۸ درصد)، کره جنوبی (۲۰ درصد) و ژاپن (۱۴ درصد) بودند. در منطقه پرمورسکی، تجارت خارجی در ۹ ماهه اول سال ۲۰۱۳ در مقایسه با مدت مشابه در سال ۲۰۱۲، ۳۴ درصد افزایش داشت. درحالی‌که در کل منطقه شرق دور، تجارت در سال ۲۰۱۳ نسبت به سال قبل ۱۰ درصد افزایش یافته بود. گزارش‌های رسمی نیز حاکی از آن بود که سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد منطقه در سال ۲۰۱۳ بیش از چهار برابر رشد کرده است؛ ژاپن به‌عنوان سرمایه‌گذار اصلی با ۱,۱ میلیارد دلار و در رتبه‌های بعدی آلمان با ۴۴۰ میلیون دلار؛ چین با ۳۱ میلیون دلار و جمهوری کره با ۲۴ میلیون دلار قرار داشتند. از طرف دیگر هم‌زمان با وابستگی فزاینده به تجارت بین مرزی و سرمایه‌گذاری خارجی، این منطقه به مسکو و به برنامه‌های توسعه فدرال آن نیز وابسته بود. در اواخر سال ۲۰۱۳ اعلام شد که برنامه فدرال برای توسعه شرق دور و منطقه بایکال تا سال ۲۰۱۸ تمدید می‌شود و ۷۰۰ میلیارد روبل اضافی نیز به این منطقه اختصاص می‌یابد (حدود ۲۱ میلیارد دلار). بنابراین از هر دو جهت این وابستگی به نفع منطقه بود (Richardson, 2014, p. 5-6).

همچنین اجلاس ۲۰۱۲ آپک گام مهمی در مشارکت روسیه در همکاری‌های چندجانبه منطقه‌ای بود. در دهه اول قرن ۲۱، دولت روسیه چندین پروژه بزرگ زیربنایی و صنعتی را در مناطق آسیایی این کشور راه‌اندازی کرده بود. درحالی‌که این پروژه‌ها ارتباط مستقیمی با دستور کار آپک نداشتند؛ هدف همه آن‌ها افزایش توانایی‌های اقتصادی روسیه در آسیا و اقیانوسیه و تأکید بر اولویت‌های روسیه در همکاری‌های منطقه‌ای بود. احداث خط لوله انتقال نفت سیبری شرقی - اقیانوس آرام^۲ (از منطقه آمور روسیه به بندر کوزمینو^۳، در ساحل اقیانوس آرام منطقه

1. Primorskii

2. The East Siberia-Pacific Ocean (ESPO)

3. Kozmino

پرمورسکی) بارزترین این پروژه‌ها بود. از دیگر اقدامات زیرساختی روسیه که منافع شرکای روسیه در منطقه را شامل می‌شد؛ توسعه حمل‌ونقل دریایی برای انرژی و کالاها از طریق مسیر قطب شمال بود. با پیشبرد این دو پروژه، روسیه سیگنال روشنی به همتایان منطقه‌ای خود ارسال می‌کرد که پروژه‌های زیرساختی این کشور می‌توانند تأثیر منازعات بر تجارت بین‌المللی در دریای چین جنوبی را تا حدی با هدایت جریان انرژی و کالا از طریق راه‌های حمل‌ونقل جایگزین به حداقل برسانند (Koldunova, 2016, p. 547-8). همچنین بر اساس گزارش «شورای روابط خارجی روسیه»^۱، نشست آپک عامل مؤثری در تعیین منافع ملی روسیه در منطقه آسیا - پاسیفیک بود؛ چراکه اکثر شرکت‌کنندگان روس و برخی از شرکت‌کنندگان خارجی در این نشست عقیده داشتند که منافع ملی روسیه در آسیا و اقیانوسیه برای آینده قابل پیش‌بینی باید بر زمینه‌های زیر متمرکز شود:

اقتصاد: دستیابی به نتایج ملموس، فوری و کیفی در توسعه سیبری و خاور دور، تحرک بیشتری برای توسعه یکپارچه روسیه (در همکاری نزدیک با اتحادیه گمرکی - فضای اقتصادی مشترک) و کشورهایی که به‌عنوان نزدیک‌ترین شرکای اقتصادی روسیه فعالیت می‌کردند؛ تحریک و تنوع بخشیدن به همکاری اقتصادی روسیه با کشورهای همسایه منطقه آسیا - اقیانوسیه؛ افزایش بُعد و عمق حضور اقتصادی روسیه در منطقه و در نهایت افزایش سهم کل روسیه در تبدیل کردن منطقه به‌عنوان قطب جدید اقتصادی جهانی.

سیاسی و امنیتی: حفظ صلح و ثبات منطقه‌ای (از جمله امنیت مرزهای روسیه در شرق دور) به‌عنوان پیش‌شرط حفظ رشد اقتصادی بالا و یکی از ویژگی‌های اساسی کشورهای آسیا - اقیانوسیه در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم؛ حفظ پشتیبانی از روندهای چندمرکزی در سیاست‌های منطقه‌ای و در ایجاد امنیت جدید آسیا - اقیانوسیه و همچنین ساختار همکاری‌ها؛ مقابله با روندهای منجر به تشدید یا گسترش درگیری‌ها و دوقطبی شدن نیروها در منطقه (که بخشی از آن به دلیل افزایش رقابت بین ایالات متحده و چین است) و تقویت همکاری با کشورهای منطقه با اهداف مشابه.

فرهنگ (آموزش و رسانه‌های جمعی): ایجاد شرایط مطلوب در سیبری و شرق دور برای کار، تجارت، زندگی روزمره و تفریح که مطابق با انتظارات فعلی باشد و باعث تحریک مهاجرت کاری به منطقه، به‌ویژه جوانان (عمدتاً از بخش اروپایی روسیه،



کشورهای اتحادیه گمرکی و سایر کشورها) شود؛ بهبود مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی در سیبری و شرق دور برای تقویت مؤلفه‌های ابتکاری غیراقتصادی این مناطق در روسیه و آوردن دانشجویان، استادان و محققان از کشورهای آسیا و پاسیفیک؛ تقویت روابط روسیه با منطقه و تدارک حمایت‌های ارتباطی از ابتکارات اقتصادی و سیاسی روسیه در فضای رسانه‌ای آسیا - اقیانوسیه با تمرکز بر ایجاد تصویری مثبت از فدراسیون روسیه به‌عنوان شریکی تأثیرگذار، صلح‌طلب، مستقل و سازنده در فرایندهای منطقه‌ای (Russian International Affairs Council, 2013, p. 11).

برخی عقیده دارند که روسیه بعد از اجلاس ۲۰۱۲ نتوانست آن ابتکاراتی را که در دوران ریاست خود بر این نهاد داشت؛ مجدداً به اجرا درآورد و مهم‌ترین دلیل آن هم مربوط به سیاست‌های داخلی روسیه بود. به‌عنوان مثال، به‌محض پایان ریاست روسیه بر آپک، تیمی که مسئولیت ابتکارات را به‌عهده داشت به سایر پروژه‌ها مانند کمیسیون اقتصادی اوراسیا و «جی ۲۰» هدایت شد. سازمان‌های دولتی سطح مشارکت خود را در ابتکارات مربوط به آپک به‌شدت کاهش دادند و نمایندگان مشاغل جلسات و محتوای شورای مشورتی بازرگانی را کاملاً نادیده گرفتند. تمام نمایندگان اصلی که بر کار آپک نظارت می‌کردند به پروژه‌های اولویت‌دار جدید هدایت شدند؛ جامعه متخصصین به‌طور گسترده منحل شد و ترکیب نمایندگان تجارت روسیه در آپک دچار تغییر شد (Magalif, 2013). با این حال از نشست ولادی وستوک به بعد، روسیه مشارکت فعالی در نشست‌های آپک داشته است. برای نمونه در نشست ۲۰۱۴ آپک در چین که مهم‌ترین موضوع آن از بین بردن موانع تجاری، به‌ویژه آغاز روند ایجاد «منطقه آزاد تجاری»^۱ در داخل آپک بود؛ روسیه حضور داشت. این پروژه منطقه آزاد تجاری به‌عنوان جایگزین برای طرحی بود که ایالات متحده طی سال‌های آن ارائه کرده بود؛ یعنی: مشارکت ترانس پاسیفیک (TPP) که از طریق مذاکرات بین دوازده اقتصاد بزرگ منطقه (از جمله ایالات متحده، ژاپن، استرالیا و گرایش‌های ASEAN) شکل گرفته و به‌دنبال آزادسازی اساسی تجارت و رفع موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای بود (Gabuev, 2014).

در نشست ۲۰۱۶ آپک نیز که دستور کار آن وضعیت اقتصادی جهانی، روندهای ادغام در منطقه آسیا و اقیانوسیه و توسعه منطقه آزاد تجاری در منطقه بود و در پرو برگزار شد؛ روسیه شرکت داشت و حتی ولادیمیر پوتین با «شینزو آبه»، نخست‌وزیر ژاپن، در پرو دیدار کرد تا در مورد اختلافات طولانی‌مدت ارضی بر سر جزایر اقیانوس آرام گفتگو کند. پوتین همچنین اولین مذاکرات خود را با «رودریگو دوترت»، رئیس‌جمهور

1. Free trade area (FTA)

فیلیپین، برای بحث در مورد امکان تأمین گاز مایع و منابع هیدروکربن‌های روسیه به مانیل انجام داد (Reuters, 2016). در نشست ۲۰۱۸ هم که در گینه پاپوا برگزار شد «دیم‌تری مدودف» نخست‌وزیر روسیه حضور داشت و در سخنرانی خود اظهار داشت که منطقه آسیا و اقیانوسیه در مرکز فرایندهای جهانی قرار دارد. روسیه بخشی از این منطقه است؛ کشوری که اکنون و آینده خود را در ارتباط نزدیک با منطقه آسیا و اقیانوسیه می‌داند و معتقد است که برای غلبه بر این چالش‌ها، اعتماد به مواضع مشترک توافق‌شده ضروری است. دلایل همکاری کشورهای منطقه از دیدگاه مدودف عبارت بودند از:

اقتصاد جهانی به قوانین تجاری شفاف و باز نیاز دارد؛ بنابراین، ترکیب تلاش‌ها برای بهبود اثربخشی سازمان تجارت جهانی و نقش نظارتی آن، هدفی اصلی است. مانند بسیاری از کشورها، روسیه عقیده دارد که سازمان نیاز به مدرنیزه شدن دارد؛ اما بدون تضعیف نفوذ یا تضعیف اصول اساسی کار، چه رسد به برجیدن آن که به معنای سقوط تجارت متمدن است. مبانی نهادی تجارت بین‌الملل که توسط سازمان تجارت جهانی شکل گرفته است نیز باید حفظ شود تا ادغام اقتصادی منطقه‌ای را بیشتر عمق ببخشد.

دلیل دوم برای همکاری، ایجاد پیوندهای زیرساختی در منطقه است. اگر به نقشه جهان نگاه کنید مشخص می‌شود که کشورها از هم جدا هستند. باین‌حال، این مانع نمی‌شود که مردم ما بهتر و بهتر یکدیگر را بشناسند؛ همکاری‌های علمی و فرهنگی را توسعه دهند و ثابت کنند که هیچ فاصله‌ای مانعی برای کسانی نیست که به دنبال برقراری روابط خوب هستند.

دلیل سوم، استفاده کارآمد از منابع انرژی موجود است که برای اجرای برنامه توسعه پایدار و جامع در منطقه آسیا و اقیانوسیه ضروری است. طبق پیش‌بینی‌ها، منابع انرژی تجدیدپذیر، با همه ارتباط و پشتیبانی ما، قادر به تأمین نیازهای روبه رشد منطقه نخواهند بود. در مورد پتانسیل گسترده انرژی هسته‌ای نیز می‌توان همین را گفت. بنابراین، انواع متداول سوخت همچنان متداول خواهند بود؛ گاز طبیعی سازگار با محیط زیست و کارآمدترین آن‌ها است.

دلیل چهارم، ایجاد ظرفیت‌های بنگاه‌های خرد، مشاغل کوچک و متوسط است که به‌عنوان نیروی محرکه رشد اقتصادی در منطقه قلمداد می‌شوند. در اینجا روسیه به‌طور فعالانه از تجربه شرکای آپک خود استفاده می‌کنیم که احتمالاً از این لحاظ حتی بیشتر از کشور ما پیشرفت کرده‌اند (Medvedev, 2018).



نتیجه‌گیری

این پژوهش استدلال داشت که هم‌زمان با روی کار آمدن ولادیمیر پوتین به رئیس‌جمهوری روسیه برای بار سوم در سال ۲۰۱۲ و همچنین چرخش به شرق روسیه این تفکر نیز در ایده چندجانبه‌گرایی روسیه تقویت شد که مسکو باید ارتباط خود را با نهادها و سازمان‌های فرامنطقه‌ای و بین‌المللی به‌ویژه در آسیا - اقیانوسیه گسترش دهد. بر همین اساس، مسکو اقدام به برقراری ارتباط با برخی از مهم‌ترین نهادهای چندجانبه این منطقه از جمله انجمن ملل جنوب شرقی آسیا (آ.سه.آن) و سازمان همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه (آپک) کرد. هرچند بهره‌بردن از مزایای اقتصادی این نهادها با توجه به تأثیرگذاری آن‌ها در اقتصاد منطقه‌ای و جهانی به‌عنوان یکی از دلایل گرایش روسیه به این نهادهای چندجانبه عنوان شده است، این پژوهش استدلال داشت که همکاری روسیه با این سازمان‌ها را باید در قالب جهان‌بینی بزرگ‌تری قرار داد و آن هم حاکی از این است که تعامل روسیه با نهادهای چندجانبه آسیا - اقیانوسیه متأثر از چشم‌اندازی دیرینه در سیاست خارجی این کشور است که می‌خواهد سیستم بین‌المللی را از نظم تک‌قطبی تحت سلطه ایالات‌متحده به نظمی چندقطبی تغییر دهد. به عبارت دیگر، روسیه می‌خواهد با استفاده از این سازمان‌ها نظم جدید جهانی را تحقق بخشد که در آن قدرت و تصمیم‌گیری از فضای یورو - آتلانتیک به سمت قدرت‌های نوظهور غیر غربی حرکت کند تا روسیه را به‌عنوان قطب اصلی در سیستم چندقطبی در حال ظهور با توانایی تسلط بر اوراسیا قرار دهد. البته در این بین، نگاه اصلی روسیه به نهادهایی است که خود مسکو زمینه شکل‌گیری و تقویت آن‌ها را فراهم کرده و در آن‌ها نقش رهبری دارد. با این حال مسکو ارتباط با نهادهای چندجانبه دیگر، از جمله آ.سه.آن و آپک و دیگر سازمان‌های منطقه‌ای را ابزاری برای تقویت دیدگاه چندجانبه‌گرایی و همچنین برای توسعه نهادهای چندجانبه خود، به‌عنوان مثال از طریق پذیرش اعضای جدید از سازمان‌های دیگر می‌داند. و این امر بیشتر ناشی از تغییر در بنیان‌های فکری سیاست خارجی روسیه است که از فضای دولت‌محور جنگ سرد بیرون آمده و اهمیت بیشتری را به نقش سازمان‌ها در نظام بین‌المللی قائل می‌شود. هرچند که راه زیادی را در این حوزه در پیش دارد.

References

- Ballegeer, A. (2019). Russia's Pivot East, A contemporary Potemkin village? Centre d'étude des crises ET conflits internationaux, Note d'analyse, No. 63.
- Bertele, M., & Mey, H.H. (1998). Unilateralism in theory and practice. *Comparative Strategy*, 17(2), 197-207.
- Blank, S. (2017). Russia's 'Pivot to Asia': The Multilateral Dimension. National Bureau of Asian Research, June, 28.
- Bouchard, C., & Peterson, J. (2011). Conceptualising Multilateralism: Can we all just get along. *Mercury E-paper*, 1.
- Fukumoto, M. (1999). Russia's Participation in APEC and Economic Development in the Far East. APEC study center and institute of developing economies.
- Fukushima, A. (1999). Japanese foreign policy: The emerging logic of multilateralism. Springer. Chicago.
- Gabuev, A. (2016). Friends with Benefits? Russian-Chinese Relations after the Ukraine Crisis. Carnegie Moscow Center.
- Gorenburg, D., Schwartz, P. (2019). Russia's Relations with South-East Asia. IFRI. *Russie. Nei. Reports*, (26), 1-51.
- Kanaev, E. (2012). Russia and APEC: looking back, looking forward. ERINA report, 104.
- Kapoor, N. (2020). Russia's Relations in Southeast Asia since 2014: Continuity and Change. Observer Research Foundation. Occasional Papers. No. 267.
- Keohane, R. O. (1990). Multilateralism: an agenda for research. *International journal*, 45(4), 731-764. Chicago
- Koldunova, E. (2016). Russia and Regional Institutions in the Asia-Pacific Region. *Russian Politics & Law*, 54(5-6), 516-532.
- Koldunova, E. (2016). Russia's Involvement in Regional Cooperation in East Asia: Opportunities and Limitations of Constructive Engagement. *Asian Survey*, 56(3), 532-554.
- Korolev, A., & Kalachyhin, H. (2019). The Eurasian Dimension: Does EAEU-ASEAN Format Have A Future?. Higher School of Economics Research Paper. WP BRP, No. 34.
- Kuchins, A. (2012). Russia Hosting the APEC Summit in Vladivostok: Putin's "Tilt to Asia". Available at: <https://www.csis.org/analysis/russia-hosting-apec-summit-vladivostok-putins-tilt-asia>.
- Larionova, M. (2015). Can the Partnership for Modernisation Help Promote the EU-Russia Strategic Partnership?. *European Politics and Society*, 16(1), 62-79. Chicago.
- Lavrov, S. (2011). Russia and ASEAN can achieve a great deal together. *International Affairs*, No.12.
- Legro, J. W. (2008). Bilateralism. In *International Encyclopedia of the Social Sciences*. volume 1, 2nd edition, edited by William A Darity, Macmillan Reference: USA.
- Martin, F.; Scott-Keltie, J.; Epstein, M.; Steinberg, S.; Paxton, J.; Hunter, B. & Turner, B. (2016). *The Statesman's Yearbook 2015: The Politics, Cultures and Economies of the World*. Macmillan Publishers Ltd.



- Østevik, M., & Kuhrt, N. (2018). The Russian Far East and Russian Security Policy in the Asia-Pacific Region. In *Russia's Turn to the East* (pp. 75-94). Palgrave Pivot: Cham.
- Richardson, P. (2014). Russia's Turn to Asia: China, Japan, and the APEC 2012 Legacy'. *Russian Analytical Digest*, 145, 5-8.
- Ruggie, J. G. (1992). Multilateralism: the anatomy of an institution. *International organization*, 561-598.
- Sochi declaration, plan of cooperation with Russia adopted at Russia-ASEAN summit. (2016). Available at: <https://tass.com/economy/877229>.
- Visenescu, R. S. (2018). Russian-ASEAN cooperation in the natural gas sector. Lessons from the Russian-Vietnamese relation. *Energy Policy*, 119, 515-517.
- Weixing, H. (2013). Building Asia-Pacific Regional Institution: the Role of APEC. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 77, 65-73.
- Wesley, M. (2003). *The Regional Organizations of the Asia-Pacific* (p. 97). New York: Palgrave Macmillan.
- Зеленева, И. В. (2016). Перспективы интеграции больших пространств-АСЕАН и ЕАЭС. *Вестник РГГУ. Серия: Политология. История. Международные отношения*, 1 (3).
- Канаев, Е. А. & Королев, А. С. (2020). ЕАЭС И АСЕАН: результаты и перспективы сотрудничества. *Мировая экономика и международные отношения*, 64(1), 64-72.

